

شبح شورش

شبح شورش بر فراز جهان سرمایه در حرکت است. بعد از سلسله اعتراضات خیابانی در برخی کشورهای اروپایی، لرزش‌های اجتماعی، کشورهای آفریقای شمالی و آسیای غربی را فرا گرفت. اعتراضات و شورش‌های وسیع کشورهای یونان، ایران، تونس، مصر، لیبی، یمن، اردن، الجزایر، عمان، مراکش، موریتانی، سودان و سوریه را در نوردیده و تاکنون به جابجایی هیئت حاکمه در تونس و مصر منجر گشته است. در برخی از این کشورها، همچون ایران، سکان جنبش اعتراضی بطور رسمی در دست جناحی از بورژوازی است و در برخی دیگر همچون تونس و مصر، جنبش اعتراضی نتیجه اعتلای مبارزات وسیع کارگری و توده‌ای بوده و آلترناتیوهای بورژوازی هنوز قادر به مهار و به انحراف کشاندن کامل این اعتراضات نگشته‌اند.

این لرزش عظیم اجتماعی نه «انقلاب‌عرب» است و نه تدویم موج اصلاحات نئولیبرالیسم. اعتراضات و قیام‌های توده‌ای کشورهای آفریقای شمالی و آسیای غربی نتیجه بلاواسطه تعمیق بحران سرمایه‌داری جهانی است. این زمین‌لرزه سیاسی اجتماعی محصول پاسخ طبقه کارگر به راه حل‌های امپریالیستی بحران در مناطقی است که طبقه حاکمه قدرت کنترل عوارض بحران را ندارد. مبارزات طبقه کارگر در کشورهای آفریقای شمالی و آسیای غربی، تداوم مبارزه طبقه کارگر در فرانسه، ایتالیا، یونان است. برخلاف تبلیغات زهر آگین رسانه‌های راست و چپ سرمایه، موج اعتراضات کنونی، نه انقلاب در دنیای عرب است و نه معجزه دنیای رایانه. این لرزش عظیم اجتماعی بشارت دهنده پایان سروری نئولیبرالیسم، پایان سیطره ایدئولوژی جنگی آنتی‌عربیسیم در غرب و پایان رقم خوردن سرنوشت این یا آن کشور در کریپورهای قدرت محافل راستگرا است.

رسانه‌های راستگرای محافل امپریالیستی سخن از اصلاحات «دنیای‌عرب» می‌رانند. جناح چپ سرمایه سخن از انقلاب «دنیای‌عرب» می‌رانند. اروسنتریست‌های چپ در اروپا نیز سخن از بی‌فایده بودن نبرد کارگران در «دنیای‌عرب» رانده و آنان را فرا میخوانند تا در انتظار «سفیدهای مرکز» بمانند. همه اینان بر ماهیت قومی و عربی اعتراضات آفریقای شمالی و آسیای غربی تاکید دارند. اما این دروغی بیش نیست. اعتراضات در یونان بسیار پرمناظر از اعتراضات عربستان بوده است. خواست افزایش دستمزد و پایان دادن به تحمیل مشقت بر کارگران به همان اندازه در تونس محوریت داشت که در اعتراضات یونان. بورژوازی از جوهر اساسی این اعتراضات هراس دارد. به همین سبب نیز میکوشد تا با جار زدن ویژگی‌های ملی و جانبی این لرزش عظیم اجتماعی بر خصلت اساسی سیاسی آن پرده افکند.

جابجایی قدرت در تونس و مصر و بحران تمام عیار سیاسی و شورش‌های عمومی در کشورهای دیگر نشانه‌های اجتماعی شدت یابی مبارزه طبقاتی در این کشورها است. این تحول نیز به نوبه خود تجلی ژرفش بحران سرمایه‌داری و تحمیل بی‌حقوقی و سطح نازل معیشت به طبقه کارگر می‌باشد. روندی که کل جهان سرمایه را در بر گرفته و فصل جدیدی از مبارزه طبقاتی و بحران‌های سیاسی در این یا آن کشور را در پی دارد. اتفاقات چند ماهه اخیر نشان می‌دهند که ژرفش بحران جهانی سرمایه و ویرانگری جنگ‌های ناشی از آن در سالهای اخیر، درست به مانند سابق به موجی از اعتراضات مبدل شده که از مرزهای کشورها و قارها عبور کرده و کره خاکی را در می‌نوردد. اما این تحول اوضاع در شرایطی وقوع می‌یابد که آلترناتیوهای سیاسی طبقه کارگر، بدلیل شکست‌های پیشین، در ضعیف‌ترین دوره تاریخ خود بسر می‌برند. دوره‌ای که با سرانجام با تشدید مبارزه طبقاتی به پایان خویش نزدیک می‌گردد.

بدیهی است که در غیاب یک آلترناتیو طبقاتی و جهانی، طبقه حاکم قادر خواهد گشت تا این جنبش‌های عظیم اجتماعی را به کژراهه سیاسی براند. این امر اما قادر به پایمال کردن دستاوردهای این مبارزات و همبستگی طبقاتی در سطحی فراملیتی نخواهد شد. ناکارآمد بودن اتحادیه‌هایی کارگری حتی در کشورهایی چون تونس و مصر و اقدامات مستقیم کارگران برای سازمانیابی در محل کار و زیست، ناکارآمد بودن ایدئولوژی آنتی‌عربیسیم در غرب، و تعیین سرنوشت سیاسی کشور در صنایع و میدین شهر از جمله دستاوردهایی هستند که اکنون تبدیل به تجربه عمومی گشته‌اند. طولانی‌ترین بحران جهانی سرمایه‌داری همچنان ژرف می‌یابد و فصل نوینی از مبارزه طبقاتی آغاز می‌گردد. خصلت جهانی بحران و خصلت جهانی مبارزه و انقلاب مبدل به آگاهی تجربی دنیای امروز شده و بدین سان راه برای عروج بدیل سیاسی انقلاب جهانی گشوده میشود.

زنده انقلاب جهانی، زنده باد حزب بین‌المللی طبقه کارگر

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

نهم اسفند 13389